



پیام سیاسی هکگل

سال پنجم، شماره ۲۴ نشریه سیاسی - تئوریک سازمان ۱۹ بهمن آبان ۱۳۹۳

☆ گرامی باد خاطره‌ی رفیق سیروس سپهری! ☆
تاریخ شهادت: ۱۵ آذر ۱۳۵۰

مقاومت کوبانی، تجلی اراده‌ی خلق!



بیش از یک ماه است که شهر کوبانی در محاصره‌ی مزدوران "دولت اسلامی" (داعش سابق) قرار گرفته و توده‌های مبارز این شهر نیز دلیرانه به دفاع از هستی خویش برخاسته‌اند و با دست زدن به مبارزه‌ی مسلحانه‌ی توده‌ای، به مقابله با مزدوران "دولت اسلامی" پرداخته‌اند.
ادامه در صفحه‌ی ۲

آرزوهای "بزرگ" کودکان

در حقیقت و پرسش صحیح آن است که زندگی سازنده‌گان اصلی جهان در چه زمانی، راست و ریست خواهد شد و جامعه‌ی انسانی، بیش از این شاهد بهرز رفتن انرژی‌های آدمی و هم‌چنین سوءاستفاده‌ی از نیروی کار میلیون‌ها انسان نه‌خواهد بود؟ چه زمانی چرخه‌های جامعه در خدمت به بشریت قرار خواهد گرفت و دستان عده‌ای سودجو، از اموال عمومی و از نعمات جامعه کوتاه خواهد شد؟
ادامه در صفحه‌ی ۶

مطالب این شماره:

- ☆ مقاومت کوبانی، تجلی اراده‌ی خلق!
- ☆ آرزوهای "بزرگ" کودکان

گرامی باد نود و هفتمین سالگرد انقلاب کبیر سوسیالیستی اکتبر!



مقاومت کوبانی، تجلی اراده‌ی خلق!

عنوان نخستین حزب سیاسی کردستان سوریه تأسیس گردیده است و رابطه‌ی نزدیکی با حزب دمکرات کردستان عراق دارد.

حزب اتحاد دموکراتیک (PYD) که در سال ۲۰۰۳ ایجاد گردیده است و به عنوان قوی‌ترین نیروی سیاسی در کردستان سوریه رابطه‌ی نزدیکی با حزب کارگران کردستان ترکیه دارد.

این احزاب با تصور این که در گیرودار حمله‌ی آمریکا به سوریه می‌توانند "حکومت اقلیم کردستان" را در سوریه ایجاد نمایند، در توافقی به تاریخ ۱۲ ژوئیه ۲۰۱۲ در شهر اربیل در کردستان عراق، ضمن اعلام خودمختاری کردستان سوریه، "شورای عالی کرد" را تأسیس می‌نمایند. براساس پیمان اربیل، مناطق گردنشین سوریه به سه منطقه تقسیم می‌شوند و هر منطقه شورای محلی خود را خواهد داشت و هر یک از این شوراها، نماینده‌گانی در "شورای عالی کرد" خواهند داشت.

"شورای عالی کرد" در دسامبر ۲۰۱۲ یک گروه نظامی به نام "یگان‌های مدافع خلق" (YPG) را به عنوان بازوی نظامی این شورا ایجاد می‌کند.

سال ۲۰۰۲ دولت آمریکا جهت کانالیزه کردن اعتراضات ضدآمریکائی مردم عراق، یک گروه بنیادگرای اسلامی به نام "جماعت توحید و جهاد" به رهبری ابومصعب زرقاوی شهروند اردنی، تشکیل می‌دهد و یک سال پس از اشغال عراق در سال ۲۰۰۴ این گروه را شاخه‌ی القاعده در عراق معرفی می‌کند.

سپس این گروه را با سائر گروه‌های بنیادگرای دیگر ↓

کوبانی شهری است گردنشین که در استان حلب در شمال سوریه واقع شده است. کردها بزرگ‌ترین اقلیت قومی در کشور سوریه هستند و همانند کردهای دیگر در سائر کشورها، همواره مورد ستم و سرکوب دولت مرکزی قرار داشته‌اند.

با آغاز جنگ میان اپوزیسیون دست‌ساز آمریکا و رژیم حاکم بر سوریه، کردهای سوریه نیز به مبارزات خود جهت دستیابی به حقوق اجتماعی و سیاسی خویش شدت بخشیدند و چند منطقه‌ی گردنشین را آزاد ساختند. اما در این میان مبارزین کرد مجبور بودند در دو جبهه بجنگند. از یک سو با نیروهای نظامی رژیم حاکم بر سوریه در جنگ بودند و از سوی دیگر باید با حملات گروه‌های اسلامی دست‌ساز آمریکا و اروپا مقابله می‌کردند.

دولت ضدخلقی سوریه به دلیل ضعف و ناتوانی در سرکوب مخالفان و با آگاهی به این که هدف مبارزات خلق کرد سوریه نهایتن کسب خودمختاری خواهد بود، ولی اپوزیسیون دست‌ساز آمریکا و اروپا خواستار سرنگونی رژیم حاکم بر سوریه هستند، در ژوئیه سال ۲۰۱۲ دولت سوریه نیروهای نظامی خود را از مناطق گردنشین در شمال این کشور خارج می‌سازد تا جبهه‌های‌اش را در مواجهه با گروه‌های اسلامی تقویت نماید.

پس از خروج نیروهای نظامی دولت سوریه از مناطق گردنشین، دو حزب قدرت‌مند کردستان سوریه قدرت سیاسی را در این مناطق به دست می‌گیرند: حزب دموکرات کردستان سوریه (PKKS) که در سال ۱۹۵۷ به



از این جا به بعد امپریالیسم آمریکا نام "داعش" را به "دولت اسلامی" تغییر می‌دهد. این جریان مزدور و دست‌پرورده‌ی امپریالیسم، پس از تحویل گرفتن تسلیحات و مهمات شهر موصل از عوامل دولت آمریکا در ۱۰ ژوئن سال جاری، مناطق گردنشین در عراق و سوریه را نیز مورد تهاجم قرار داد. به خاطر ترس از وحشی‌گری این مزدوران، در طول ۲۴ ساعت بیش از ۶۰ هزار نفر از مردم گردستان سوریه آواره‌ی بیابان‌های ترکیه می‌شوند.

مزدوران "دولت اسلامی" از روز دوم ژوئیه حمله‌ی همه‌جانبه‌ای را به سوی شهر کوبانی آغاز می‌کنند و با اشغال بیش از ۲۰ روستا در ۱۵ سپتامبر کوبانی را به محاصره‌ی کامل درمی‌آورند.

در ۱۴ اکتبر مزدوران "دولت اسلامی" شهر کوبانی را با سلاح‌های شیمیایی مورد تهاجم قرار می‌دهند و در همین روز یگان‌های مدافع خلق، مزدوران "دولت اسلامی" را به طور کامل از شهر کوبانی اخراج می‌کنند. اما هنوز هم شهر کوبانی در محاصره‌ی مزدوران "داعش" است و مبارزین کرد نیز قهرمانانه این مزدوران را زیر آتش گرفته‌اند.

مزدوران "دولت اسلامی" از آغاز فعالیت‌های‌شان، به هر منطقه‌ای که حمله کرده‌اند، وحشیانه‌ترین رفتارها و غیرانسانی‌ترین شیوه‌ها را در مقابل مردم این مناطق به کار گرفته‌اند. از جمله این که مخالفین خود را سر بریده‌اند و یا به صلیب کشیده و یا با شکنجه به قتل رسانده‌اند و یا به طور دسته‌جمعی اعدام کرده‌اند؛ به زنان و دختران تجاوز کرده‌اند؛ اسیران را قتل‌عام کرده‌اند؛ زنان را سنگ‌سار کرده‌اند؛ منازل مسکونی شهروندان را خراب کرده و اموال‌شان را غارت کرده‌اند و یا زنان و کودکان را ربوده و به فروش رسانده‌اند.

از نظر کمی هم مهم‌ترین مشخصه‌ی این "دولت اسلامی" ، حضور بیش از ۲۵۰ هزار نفر مزدور غیر سوری و غیر ↓

در عراق تلفیق کرده و گروه "دولت اسلامی عراق" را به رهبری ابو عمر البغدادی در ۱۵ اکتبر ۲۰۰۶ ایجاد می‌کند.

در سوریه، رقیب سرمایه‌های آمریکائی یعنی سرمایه‌های اتحادیه‌ی اروپا با ایجاد "ارتش آزاد سوریه" در مارس ۲۰۱۱ به دنبال سهم خویش پس از سرنگونی رژیم بشار اسد بسیج شده بودند. به همین خاطر در اواخر سال ۲۰۱۱ دولت آمریکا شبکه‌ی القاعده در سوریه را با نام "جبهه النصره" به فرمان‌دهی ابو محمد جولانی تشکیل می‌دهد.

با آغاز جنگ داخلی در سوریه، "دولت اسلامی عراق" وارد سوریه شده و در آن جا نیز فعال می‌شود. اتحادیه‌ی اروپا که در این مدت در "جبهه النصره" نفوذ کرده بود با ارسال سلاح برای آنان، "جبهه النصره" را تشویق به جنگ با "داعش" می‌کند و در مقابل این سیاست اتحادیه‌ی اروپا، دولت آمریکا در ۹ آوریل سال ۲۰۱۳ "جبهه النصره" را با "دولت اسلامی عراق" تلفیق کرده و با نام "دولت اسلامی عراق و شام" (داعش) به جهانیان معرفی می‌کند. دولت آمریکا تمام این فعالیت‌ها را به شکل حمایت‌های مالی، تسلیحاتی، اطلاعاتی و آموزشی توسط رژیم‌های دست‌نشانده‌اش در عربستان و قطر و ترکیه به پیش می‌برد.

پس از این که در اوائل ژانویه ۲۰۱۴ اعتراضات مردم در شهرهای سنی‌نشین رمادی و فلوجه توسط دولت عراق سرکوب می‌شود، اشغال شهرهای عراق توسط "داعش" با حمله به این دو شهر آغاز می‌شود. سپس در ۱۴ ژانویه مزدوران "داعش" با کنترل کامل شهر رقه در شمال شرقی سوریه، اشغال شهرهای سوریه را آغاز می‌کنند.

مزدوران "داعش" با تصرف شهرهای جرابلس، الباب، الرقه، دیرالزور و البوکمال در سوریه و شهرهای القائم، الرمادی، الفلوجه، جلولاء، السعیدیه، تکریت، بیجی، الحویجه و الموصل در عراق، تقریباً تمام مناطق شمال شرقی سوریه و مناطق شمال غربی عراق را تصرف می‌کنند.



در ارتباط با مقاومت کوبانی غیرقابل چشم‌پوشی است. نیروهای بارزانی در کردستان عراق علاوه بر این که هیچ کمکی به شوراهای محلی گردنشین در سوریه نکرده و نمی‌کنند، در جریان حمله‌ی مزدوران "دولت اسلامی" به مناطق گردنشین سوریه، با حفر خندق میان مناطق تحت تسلط خود و مناطق گردنشین سوریه، مانع کم‌رسانی به گردهای سوریه شده‌اند.

رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی حاکم بر ایران نیز با توجه به درگیر بودن خود با مسئله‌ی گُرد در درون مرزهای خویش و همچنین حمایتش از رژیم حاکم بر سوریه، نه تنها وضعیت کوبانی و آنچه که در آن جا رخ داده است را به طور کلی مسکوت گذاشته، بلکه به انتحاء مختلف از جوشش‌ها و حمایت‌های خودبه‌خودی توده‌های ایران از کوبانی نیز ممانعت به عمل آورده است.

اما دولت آمریکا تبلیغات بسیار وسیعی را به راه انداخته است که نیروهای "دولت اسلامی" را مورد حمله قرار می‌دهد. روز دوشنبه ۲۲ سپتامبر دولت آمریکا اعلام می‌کند که برای نخستین بار مواضع نیروهای "داعش" در سوریه را با بمب و موشک مورد هدف قرار داده است.

از آن جایی که مزدوران "دولت اسلامی" پیش‌برنده‌ی سیاست‌های سرمایه‌های آمریکائی در این منطقه هستند، سرمایه‌های اتحادیه‌ی اروپا نیز از زمینه‌ای که این تبلیغات دولت آمریکا ایجاد کرده است، استفاده می‌کنند و تصمیم می‌گیرند که علیه "دولت اسلامی" وارد عمل بشوند. به همین خاطر سرمایه‌های آمریکائی در ۲۴ سپتامبر توسط عواملشان در الجزائر سر یک گروگان فرانسوی را از تن جدا می‌کنند تا به سرمایه‌های اروپائی هشدار بدهند که علیه "دولت اسلامی" عملیاتی انجام ندهند. با این حال روز پنج‌شنبه ۲۵ سپتامبر هواپیماهای فرانسه یک انبار مهمات این گروه را در شمال شرق عراق بمباران می‌کنند. ↓

عراقی (با حقوق روزانه) در این جریان است.

اما یکی از ویژه‌گی‌های بسیار پراهمیت در مقاومت کوبانی، شرکت بسیاری از زنان و دختران گُرد در مبارزه‌ی مسلحانه علیه مزدوران "دولت اسلامی" است و خصوص این که یکی از فرماندهان نیروهای گُرد در کوبانی، زنی مبارز با نام نارین آفرین (میسای عبدو) می‌باشد. این شرکت فعال زنان در مبارزه‌ی مسلحانه، باعث نگرانی مزدوران "دولت اسلامی" شده است. زیرا آنان بر این اعتقاد هستند که اگر به دست یک زن کشته شوند، به بهشت نخواهند رفت !!

نکته‌ی قابل‌توجه در این میان این است که مخارج عملیات "دولت اسلامی" بسیار زیاد است، اما این مخارج از خزانه‌ی دولت آمریکا پرداخت نمی‌گردد، بلکه عربستان سعودی و قطر تأمین مخارج آن را کاملن به عهده گرفته‌اند.

اما مهم‌تر از نقش عربستان سعودی و قطر، نقش ترکیه در پیش‌برد این سیاست سرمایه‌های آمریکائی است. رژیم وابسته به امپریالیسم حاکم بر ترکیه، گذشته از این که در گیرودار جنگ داخلی سوریه تقریبین تمام کارخانه‌های استان حلب در سوریه را غارت کرده و به ترکیه منتقل کرده است، نفتی را که مزدوران "دولت اسلامی" از مناطق نفت‌خیز تحت تسلطشان به دست می‌آورند، خریده و به اسرائیل منتقل می‌کند.

همچنین تمام راه‌های کم‌رسانی به کوبانی را مسدود ساخته و تظاهرات اعتراضی مردم ترکیه و به خصوص گردهای ترکیه را به شدیدترین وجهی سرکوب می‌کند به طوری که تاکنون ده‌ها نفر در این سرکوب‌ها کشته شده‌اند. رژیم دست‌نشانده‌ی حاکم بر ترکیه با ایجاد اردوگاه‌هایی در ترکیه به مزدوران "دولت اسلامی" آموزش نظامی می‌دهد.

در این میان نقش خائنانه‌ی گردهای بارزانی در عراق نیز



سرزنش قرار داده‌اند. اینان غافل از آنند که سازماندهی مسلحانه‌ی توده‌ها در کوبانی ثمره‌ی سال‌ها مبارزه‌ی مسلحانه‌ی پیشاهنگان آنان است.

گرچه مبارزه‌ی انقلابی کوبانی خصوصاً به لحاظ کیفی هنوز جای رشد و پالایش و تعالی هر چه بیش‌تر را دارد، اما بایستی اذعان نمود که اینک سرود جاری تاریخ یک‌بار دیگر با تجلی اراده‌ی خلق یعنی کارگران و زحمتکشان در کوبانی طنین‌افکن شده است و بر این امر اجتناب‌ناپذیر در عصر امپریالیسم تأکید دارد که تنها راه رهائی و رسیدن به آزادی خلق‌های تحت‌سلطه، مبارزه‌ی مسلحانه هم استراتژی، هم تاکتیک است!

پیروز باد مقاومت مسلحانه‌ی توده‌های مبارز کوبانی!



۱۶ آذر، روز دانشجو گرامی باد!



در این میان، گزارشات رسانه‌های امپریالیستی هم تمامی حاکی از این است که گویا "داعش" برای کنترل نوار مرزی با ترکیه و یا به دست‌آوردن معبر مرزی با ترکیه است که درصدد تصرف کوبانی است. در حالی که، مبارزین کُرد در حال دفاع از خودمختاری و مناسبات دمکراتیکی هستند که در این مناطق ایجاد کرده‌اند و چون تمام این‌ها در تضاد با منافع سرمایه‌های امپریالیستی است، مزدوران "داعش" نیز به عنوان سگ‌های زنجیری این سرمایه‌های امپریالیستی به آنان حمله‌ور شده‌اند تا این مناسبات دمکراتیک را نابود سازند.

یکی از نکات مهم و آموزنده‌ی مقاومت کوبانی خصوصاً برای جنبش کمونیستی ایران، سازماندهی و تسلیح توده‌های خلق است. مبارزه‌ی مسلحانه در کُردستان ایران هیچ‌گاه، حتا زمانی که بسیاری از شهرها و روستاهای کُردستان تحت تسلط نیروهای انقلابی بود، نتوانست منتهی به چنین سازماندهی مسلحانه‌ی توده‌ای گردد. چرائی این موضوع، جدا از سرکوب‌های رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی و همچنین درک‌های غلطی که بر نیروهای بومی کُردستان ایران حاکم بوده و متأسفانه همچنان نیز حاکم است، از یک سو برمی‌گردد به غلبه‌ی نگرش‌های اپورتونیستی و رویزیونیستی بر جنبش کمونیستی ایران و ضدیت با اندیشه‌ی انقلابی مبارزه‌ی مسلحانه و از سوی دیگر به عدم درک صحیح و کاربست این تئوری انقلابی در عمل از سوی تشکلات مدعی اعتقاد به آن.

جالب توجه است که بسیاری از همین‌هائی که امروز به وجد آمده و در حمایت و تشویق مبارزه‌ی انقلابی کوبانی هزاران اطلاعیه و بیانیه و شعر و مقاله نوشته و سر می‌دهند، همان‌هائی هستند که تا همین امروز نیز همه‌ی توان و چپته‌ی خالی خویش را در نفی تئوری مبارزه‌ی مسلحانه در ایران به کار بسته‌اند و افراد و سازمان‌های منتسب به این دیدگاه را با برچسب‌های نامربوط ماجراجو، جدا از توده و بسیاری القاب دیگر مورد تقیح و

تعرض، جوهر سیاست پرولتری است!

مرگ بر امپریالیسم و سگ‌های زنجیری‌اش!



آرزوهای "بزرگ" کودکان

۱۵۱۴ه از صفحه ۱

چه زمانی کودک و کودکان، از تناوب اقتصاد جامعه و آن هم به عنوان سودآوران سرمایه، به دور خواهند ماند و به فراگیری علم و دانش و بازی با هم سن و سال‌های شان خواهند پرداخت؟ چه زمانی آرزوی داشتن لباس و آب آشامیدنی، برای بقاء و زنده ماندن از جوامع متناوب رخت بر خواهد بست و دنیا بیش از این، شاهد تلف شدن و نداری میلیون‌ها کودکِ سرتاسر جهان نه خواهد بود؟

در حقیقت و پاسخ پرسش‌های فوق، سر راست و روشن می‌باشد و آن‌چه در این میان، مانع و یا سد کننده‌ی رشد جوامع و بویژه بالنده گی و آسایش کودکان می‌باشد، وجود مناسبات ناسالم و حامیان آن در سرتاسر جهان است. مناسبات و حامیانی که دارند به یمن زور و سر نیزه، بر میلیاردها انسان حکم‌روانی می‌کنند و بر محدودیت‌ها و بر تنگناهای زندگی کارگران، زحمت‌کشان و کودکان می‌افزایند. متأسفانه در چنین دنیا و مناسباتی، میلیاردها انسان در حسرت زندگی بخور و نمیراند و در عوض، اندک قلیلی، غرق در دارائی‌اند. استفاده از مکان و شغل و طبیعت، طبقاتی شده است. همه‌ی قاره‌ها این‌گونه است و از افریقا و آسیا گرفته تا اروپا و امریکا، خواسته و ابتدائی‌ترین نیازهای زندگی کودکان، به آرزوهای بزرگ و دست نیافتنی تبدیل شده است و آمران، همه‌جا دارند از دست‌های نحیف کودکان سود می‌جویند تا سرمایه‌های بیش از این، به جیب زنند. هیچ‌گونه ضمانتی در تأمین زنده‌گانی میلیاردها انسان محروم سرتاسر جهان نیست و هم‌چنین هیچ‌گونه چشم‌انداز روشنی، در ختم کودکان کار و آن‌هم در زیر سلطه‌ی سرمایه نیست. با این اوصاف سخن گفتن از زندگی بهتر و امنیت و شغل، کار و کاسبی و تفنن و سرگرمی‌های کودکان در چنین مناسباتی بوج و بی معنی‌ست. به این دلیل که دنیا را ظالمان و استثمارگران، به گونه‌ای پی ریخته‌اند که زن و مرد و جوان و کودک، مجاز و قادر به بهره‌برداری از آن‌ها نیستند.

به بیانی دیگر مشاهده‌ی تصاویر روزانه‌ی زنده‌گانی مردم و کودکان

و هم‌چنین ارائه‌ی آمار و ارقام از جانب خودی‌های‌شان در تخالف با این نظر نیست که کنتور تخریب، دارد مسیر بالا را طی می‌نماید و میلیون‌ها کودک و آن‌هم در عرصه‌های متفاوت در معرض سوءاستفاده‌های جنسی و بدنی ظالمان و سودجویان قرار دارند. به‌طور مثال و بر اساس گفته‌ی یونیسف سالانه بیش از یک میلیون کودک، وارد صنعت و تجارت سکس می‌شوند. یک میلیون کودک و هر ساله از سیکل زندگی حقیقی و کودکی خود خارج شده و در چنگال سودجویان و ظالمان اسیرند. این نونهالان، به‌دلیل فقر خانواده‌گی و به‌دلیل زیاده‌خواهی‌های حاکمان، از محیط و از روابط کودکی خود کنده شده و وارد عرصه‌ی زندگی ناخواسته‌ای می‌گردند که طبعاً عواقب وخیم آن، تا ابد بر روح و روان‌شان سنگینی خواهد کرد. خلاف یقین نیست که عامل چنین وضعیتی سرمایه‌داران‌اند؛ خلاف یقین نیست که به زیاده‌خواهی‌ها و به ماهیت کثیف سرمایه‌داران بر می‌گردد و انسان و انسانیت در مقوله و در فرهنگ آنان، چیزی جز تاراج تمهه‌ی میلیون‌ها انسان نادر و به‌هدر دادن زنده‌گانی آنان نیست. آری، این دنیائی‌ست که منفعت‌جویان خواهان آنند و کم‌ترین سودی برای طبقات ستم‌دیده و اقشار محروم نه‌دارد.

براستی در جامعه و در دنیایی که کودک از سوادآموزی به‌دور می‌باشد؛ در جامعه و در دنیایی که کودک به‌دلیل فقر والدین‌اش مجبور به فروش نیروی کار خود می‌باشد و در جامعه و در دنیایی که کودکان، به‌عنوان کالای سودده‌ی سرمایه‌داران تبدیل می‌گردند، و در جامعه و در دنیایی که بازی با هم‌سن و سال‌های خود و هم‌چنین داشتن کفش و رفتن به مدرسه، به یکی از بزرگ‌ترین آرزوی میلیون‌ها کودک تبدیل گردیده است، چنین جامعه و دنیایی را، نه‌باید و نمی‌بایست به‌پای جامعه و دنیای انسانی نوشت و لازم و به‌حق است، تا چنین جامعه و دنیایی را با تمامی مدافعین‌اش، درب و داغان نمود و به زیر کشید

متأسفانه در دنیای کنونی و به‌دلیل بافت اقتصادی حاکم بر جوامع، صدمه‌ها و تخریب‌ها به کارگران و زحمت‌کشان، بیش از منفعت‌ها و سازنده‌گی‌هاست و به تبعی آن‌ها تلف شدن کودکان هم از مرز میلیونی گذشته است. سوء تغذیه‌ی میلیونی کودکان و عدم دسترسی یک میلیارد انسان به پیش‌پا افتاده‌ترین نیازهای اولیه‌ی زندگی، یعنی ↓

به جای لباس، کهنه‌های کثیف و پارهای به تن داریم. من هیچوقت نمی‌تونم راحت بخوابم. رختخواب ما تکه‌های کاغذ و مقواهایی است که روی زمین کنار هم می‌چینیم. بیشتر در شهر خودم که بودم به مدرسه می‌رفتم، ولی اینجا به جای مدرسه رفتن باید مراقب خواهر و برادرهام باشم تا پدر و مادرم بتونند سر کار برند. من آرزو دارم مثل مردم عادی زندگی کنم. دوست دارم خانه و لباسی مثل بقیه داشته باشم، دلم می‌خواد به مدرسه برم و درس بخونم. آرزوم اینه که به شهر و خونه خودمون برگردم. من دلم می‌خواد در صلح زندگی کنم."

بی‌گمان این تک نمونه و یا درد دل یک کودک آنگولائی نیست، بلکه بخشی از حقایق تلخ و زندگی دست‌ساز است که سرمایه‌داران برای کودکانی هم چون «لیندا» ساخته‌اند. بخش‌های هر چند کوچک از مشکلات کودکانی است که در آن جنگ‌های ارتجاعی و خانمانسوز در جریان می‌باشد؛ جنگ‌هایی که کودکان از زمره قربانیان مقدم توطئه‌های امپریالیستی‌اند و به‌عنوان متفاوت دارند، مورد تعدی و سوءاستفاده‌های جنسی و بدنی سرمایه‌داران و مرتجعین متفاوت قرار می‌گیرند.

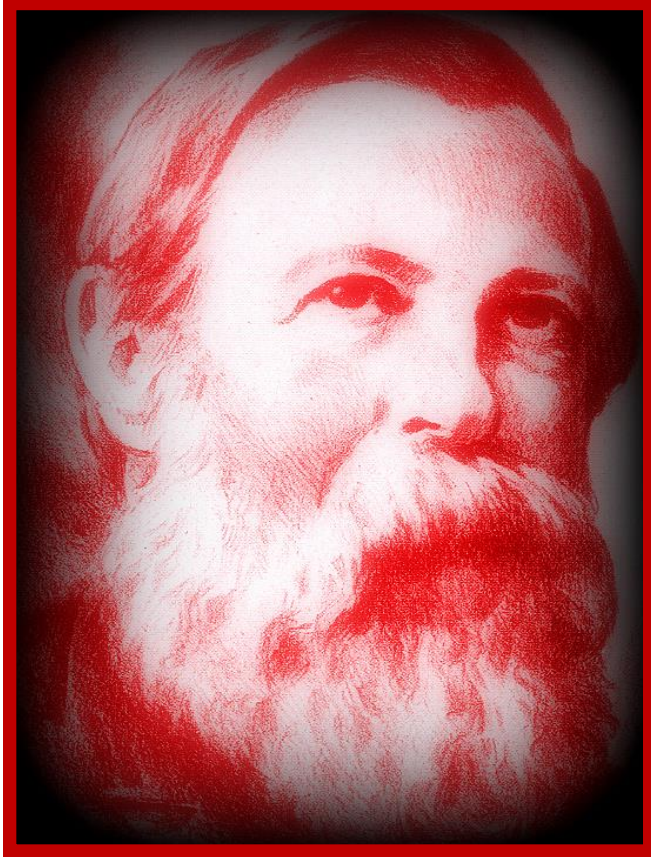
متأسفانه نابرابری‌ها و شکاف طبقاتی و هم‌چنین ورود کودکان به خیابان‌ها در دنیای سرمایه، قابل توصیف نیست و نمی‌توان و صحیح نیست، تا نسبت به، غیر هم‌طرزای زندگی کودکان در جوامعی زیر سلطه‌ی سرمایه‌داران بی تفاوت بود و بر خلاف مرتجعین و مدافعین آنان، چنین اوضاع دردناکی را به حساب امری "طبیعی" و "الهی" نوشت؟ نمی‌توان تماشاگر تلف شدن کودکان بود و کم‌ترین عکس‌العملی از خود نشان نه داد؟ نیاز کودک به گرمایش، به کفش و کلاه، لباس و رفتن به مدرسه و هم‌بازی با هم‌سن و سال‌های‌اش می‌باشد و قطع و گسست آن‌ها - و آن‌هم به‌هر دلیل و بهانه‌ای -، جنایت به حساب آمده و می‌آید. به حق و نیاز است تا کودک در دنیایی سرشار از آرامش و بدون دغدغهی نداری و فقر، رشد نماید و فارغ از صدها مشکلات رو در رو، از اوقات و لحظات زندگی‌اش بهره‌مند شود. چنین توقع و خواستی بی‌جا و بالا نیست و کودک مستحق چنین زندگی‌ای فارغ از صدها مصائب و بلائی اجتماعی است شکی در آن نیست که نظام‌های سرمایه‌داری، فاقد پتانسیل تأمین منافع‌ی کودکان و در عمل به اثبات رسانده‌اند که ↓

آب، نشان‌دهنده‌ی عمق فاجعه‌ای است که دارد از جانب به اصطلاح حکومت‌های متمدن به کودکان روا می‌شود. زندگی بیش از نیمی از کودکان جهان، با کار و با فقر و با نداری والدین‌شان و هم‌چنین با جنگ و درگیری و خون و خون‌ریزی گره خورده است. درگیری که این روزها در مقابل کودکان جوامعی هم‌چون عراق، افغانستان، سوریه و لیبی، آنگولا و گینه، سودان و اوگاندا، سومالی و یمن و غیره قرار گرفته، آن‌چنان گسترده و وسیع است، که با هیچ قلم و با هیچ زبانی نمی‌توان از در توضیح آن‌ها برآمد. چند دهه‌ای است که در این جوامع کودکان دارند با جنگ متولد و بزرگ می‌شوند و با ترنم مسلسل و توپ و خمپاره، به خواب می‌روند و با صدای ضجه و زاری دیگر کودکان و بزرگان، و هم‌چنین با مرور تصاویر دردناک در ذهن‌ها، از خواب بر می‌خیزند. آری کودکان این جوامع، به‌عنوان اولین و به سر تیرهای قربانیان نظام‌های امپریالیستی تبدیل گردیده‌اند و اختلالات روانی و روحی ناشی از جنگ و خون و خون‌ریزی، و از دست دادن والدین، آینده و زندگی‌شانرا به تباهی کامل کشانده است.

حقیقتاً که چگونه می‌توان از عواقب و تأثیرات جنگ‌های خانمان‌سوزی که در یک دهه‌ی اخیر در ده‌ها کشور از جانب قدرت‌مداران بین‌المللی سازمان داده شده است را نادیده گرفت و از ثمره‌های منفی آن‌ها، بر افکار و بر جسم کودکان گذشت؟ چگونه می‌توان نظاره‌گر این همه جنایات از جانب سرمایه‌داران و دار و دسته‌های‌شان در اقصا نقاط دنیا بود و علل آن‌ها را به سیستم و به مناسبات حاکم نسبت نه داد؟ بر اساس آمار و ارقام ارائه شده - و آن‌هم در یک دهه‌ی گذشته - بیش از سه میلیون کودک در جنگ گشته، چهار میلیون آواره و والدین خود را از دست داده‌اند، نزدیک به پانزده میلیون نفر به مشکلات روحی - روانی دچار و میلیون‌ها تن دیگر مورد آزار و اذیت جنسی قرار گرفته‌اند؛ مازاد بر همه‌ی این‌ها و این روزها میلیون‌ها کودک هم در حسرت داشتن کفش و کلاه و حضور در سر کلاس، و به‌منظور فراگیری علم و دانش‌اند. بیهوده نیست که «لیندا» دختر چهارده ساله‌ی آنگولائی دارد می‌گوید: «اینجا، ما بچه‌ها در رنج و وضعیت دردناکی زندگی می‌کنیم. می‌باید همه پولمون رو ذخیره کنیم تا بتونیم از تانکر آب، آب خوردن بخریم. با پولی که ما داریم هیچ چیز دیگه‌ای نمیشه خرید.



گرامی باد خاطره‌ی شهدای آبان و آذر چریک‌های فدائی خلق ایران!



خجسته باد زادروز انگلس رهبر و اندیشمند بزرگ کارگران جهان!

★ مقالات بدون امضاء از سوی شورای نشریه می‌باشند. ★

برای ارتباط با ما، با آدرس‌های زیر تماس بگیرید:

Post: Postbus 10492

1001 EL Amsterdam, Nederland

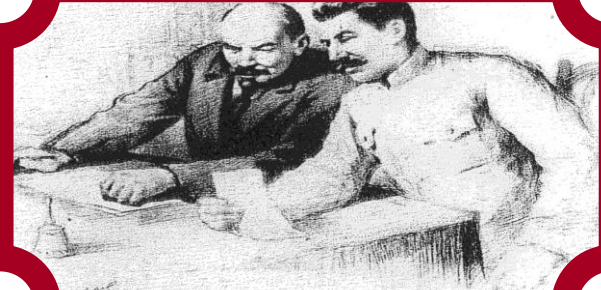
TEL.: +31 624 797 133

E-Mail: pouyan@19bahman.ne

Web site: <http://www.19bahman.net>

با کمک‌های مالی خود و ارثیه‌ی هر گونه سؤال، نظر، انتقاد و پیشنهاد، ما را در انجام وظائفمان یاری رسانید.

حامی کودکان نیستند و هدف و مقصودشان، به‌هرز بُردن نیرو و انرژی کودکان و آن‌هم در جهت انباشتن هر چه بیش‌تر منافع به نفع طبقات بالاست. بنابراین و تنها نظامی‌هایی مدافع و حامی کودکان‌اند که سیاست و برنامه‌های‌شان، در خدمت به رشد جامعه و در خدمت به آسایش مردمی‌ست. تنها در چنین جوامع و در زیر سایه و پرچم حاکمیت توده‌ایِ برهبری طبقه‌ی کارگر است، که کودکان از میادین استثمار و از سوءاستفاده‌های جنسی و بدنی بدور خواهند ماند و از دوران کودکی خود سود خواهند جست. در چنین دورانی‌ست که آرزوهای "بزرگ" کودکانی هم‌چون «لیندا»، به ترم‌های عادی و طبیعی زندگی بر خواهد گشت و انسان‌ها و کودکان و آن‌هم به‌گونه‌ی برابر، از نعمات و از امکانات جامعه بهره‌مند خواهند شد. این آن دنیا و جامعه‌ای‌ست که میلیاردها انسان در پی و خواهان آنند.



گرامی باد خاطره‌نبین و استالین رهبران کبیر پروتاریا!

رفقای گرامی!

با ارسال مقالات و مطالب خود، ما را در غنای بیش‌تر نشریه یاری رسانید. بدیهی است، مطالبی در نشریه منتشر خواهند شد که در راستای اهداف و وظائف مبارزاتی سازمان ۱۹ بهمن قرار داشته باشند. از اصلاح املائی و انشائی مطالب رسیده معذور می‌باشیم.



زنده باد انقلاب! برقرار باد جمهوری دموکراتیک خلق به رهبری طبقه‌ی کارگر! زنده باد کمونیسم!